



## Designing a native model for the analysis of strategic documents (security and military)

Dr. Majid Yousefi<sup>1</sup> | Rahman Habibi<sup>2</sup>

### Abstract

By publishing security, defence and military strategic documents, governments seek to present their intentions and macro directions to domestic and foreign audiences. These documents, which show their worldview, contain a set of beliefs, attitudes and actions of each of the actors and can provide useful information to the military and security decision-makers of a country. Since finding out about the issues considered by countries, think tanks and strategic institutions in the world is considered one of the necessities of strategic thinking in Iran; The purpose of this research is to provide a local framework for a detailed and scientific analysis of the strategic documents of governments. Therefore, the present research seeks to answer the main question that what dimensions, components and indicators should be considered in the analysis of strategic documents in order to accurately and scientifically understand the aspects of "goals" and "directions" considered by that country? The nature of this research is descriptive-analytical. The method of data collection in the current research is based on the library (recording) and field (interview) methods. According to the nature of this research, the method of data analysis is the qualitative content method. The findings of this research show that for the analysis of strategic documents, it is possible to use the five main or comprehensive categories of "strategic vision", "goals and benefits", "threats", "tools" and "action methods", as well as 14 components and 58 indicators.

**Keywords:** Analysis of Strategic Documents; Native Model of Goals and Orientations.

1. Corresponding author: Strategic Management Researcher, National Defense University, Tehran, Iran  
Dr.yousefi95@gmail.com
2. Master's student, International Relations, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran



## طراحی مدل بومی برای تحلیل اسناد راهبردی (امنیتی و نظامی)

دکتر مجید یوسفی<sup>۱</sup> | رحمان حبیبی<sup>۲</sup>

### چکیده

دولت‌ها با انتشار اسناد راهبردی امنیتی، دفاعی و نظامی به دنبال ارائه نیات و جهت‌گیری‌های کلان خود به مخاطبان داخلی و خارجی هستند. این اسناد که جهان‌بینی آن‌ها را به‌نمایش می‌گذارد، مجموعه‌ای از اعتقادات، نگرش‌ها و اقدامات هر یک از بازیگران را دربر می‌گیرد و می‌تواند اطلاعات مفیدی را در اختیار تصمیم‌گیرندگان نظامی و امنیتی یک کشور قرار دهند. از آنجایی که آگاهی یافتن از موضوعات مدنظر کشورها، اندیشکده‌ها و مؤسسات راهبردی در جهان یکی از ضرورت‌های تفکر راهبردی در ج.ا.ایران محسوب می‌شود؛ هدف این تحقیق ارائه چارچوب بومی برای تحلیل دقیق و علمی از اسناد راهبردی دولت‌هاست. از این رو تحقیق حاضر درصدد پاسخگویی به این پرسش اصلی است که در تحلیل اسناد راهبردی باید به چه ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی توجه شود تا جنبه‌های «هدف‌گذاری‌ها» و «جهت‌گیری‌های» مدنظر آن کشور به‌طور دقیق و علمی درک شود؟ ماهیت این تحقیق توصیفی-تحلیلی است. روش گردآوری داده‌ها در تحقیق حاضر مبتنی بر روش کتابخانه‌ای (فیش‌برداری) و میدانی (مصاحبه‌ای) می‌باشد. با توجه به ماهیت این پژوهش، روش تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز روش محتوای کیفی است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که برای تحلیل اسناد راهبردی می‌توان از پنج مقوله اصلی یا فراگیر «دیدگاه استراتژیک»، «اهداف و منافع»، «تهدیدات»، «ابزارها» و «روش‌های اقدام» و همچنین از ۱۴ مؤلفه و ۵۸ شاخص استفاده کرد.

واژگان کلیدی: تحلیل اسناد راهبردی؛ مدل بومی؛ هدف‌گذاری‌ها و جهت‌گیری‌ها.

## پیشگفتار

هر کشوری در نظام بین‌الملل از یک یا چند سند راهبردی برخوردار است که این اسناد، استراتژی‌هایی را جهت تضمین موجودیت، حفظ و گسترش منافع ملی آن‌ها ارائه می‌دهد (ریس<sup>۱</sup>، ۲۰۱۳: ۲). خواه این استراتژی‌ها به‌طور رسمی در قالب یک سند تهیه شوند و در اختیار عموم قرار گیرند و یا اینکه رهبران دولت در قدرت، با سخنرانی‌های خود به آن اشاره نمایند، این اسناد توضیح می‌دهند که جایگاه کشور و نقش آن در جهان از نگاه آن‌ها چگونه است و با چه ابزار و رویکردی به دنبال دستیابی به آن اهداف هستند. این اسناد که جهان‌بینی آن‌ها محسوب می‌شود، مجموعه‌ای از اعتقادات، نگرش‌ها و اقدامات هر یک از بازیگران را شامل می‌شوند و به دنبال ارائه رهنمودهایی در مورد مدیریت خطرات مرتبط با چالش‌های فعلی و آینده هستند و از این طریق امنیت پایدار هر کشور را در بلندمدت و در مواجهه با عدم قطعیت‌ها و تهدیدهای تعریف شده تضمین می‌کنند. اسناد راهبردی از یک سو به‌عنوان کتابچه راهنمای مرتبط با سیاست‌گذاری برای نهادهای ذی‌ربط کشور به کار می‌روند و از سوی دیگر آن‌ها مخاطبان خارجی را مورد توجه قرار می‌دهند و در مورد متحدان، مخالفان، تعهدات و اهداف مورد نظر خود سخن می‌گویند (استولبرگ<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲: ۳-۲ و ۲۴۸). همچنین این اسناد می‌توانند انتقال‌دهنده روایت‌هایی در مورد توجیهی از اقدامات در یک دوره خاص برای مخاطبان داخلی و خارجی باشند.

تدوین اسناد راهبردی با توجه به فرهنگ استراتژیک هر کشور صورت می‌گیرد. به‌طوری که هر کشور با توجه به فرهنگ استراتژیک خاص خود به تعریف منافع، درک تهدیدات نسبت به این منافع و جایگاه خود در نظام بین‌الملل می‌پردازد. حتی فرهنگ استراتژیک در شناسایی ابزارها و شیوه‌های مناسب برای پیشبرد اهداف و اراده تصمیم‌گیرندگان سیاسی و نظامی در اتخاذ بهترین راهبردها نیز تأثیرگذار می‌باشد. مجموع این عوامل باعث شده است تا یک پیوستگی بین اسناد استراتژیک دولت‌های یک کشور وجود داشته باشد و در عین حال این استراتژی‌ها را با استراتژی کشورهای دیگر که مبتنی بر فرهنگ استراتژی مختص خودشان هستند، متمایز نماید. در این راستا

1. Reese  
2. Stolberg

می‌توان گفت که اسناد راهبردی و استراتژی‌های فعلی هر کشوری تفاوت بنیادینی با استراتژی‌های مکتوب و نانوشته گذشته آن‌ها ندارد و تفاوت آن‌ها صرفاً در اولویت‌بندی اهداف با توجه به مقتضیات و شرایط داخلی و خارجی فعلی آن کشورها است.

از آنجایی که سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های کشورها می‌تواند بر نظام امنیت منطقه‌ای و جهانی و به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر امنیت ملی ایران تأثیر بگذارد، باید درک درستی از مؤلفه‌ها و ساختارهای راهبردی امنیت ملی این بازیگران صورت گیرد، تا راهبردهای لازم برای مقابله با خطرات احتمالی پیش‌بینی شود. به‌نظر می‌رسد که بهترین راه برای شناسایی سیاست‌های کشورها، مراجعه به اسناد راهبردی بازیگران، به‌عنوان مهم‌ترین اسناد بالادستی آن‌ها جهت شناسایی جهان‌بینی و نقشه راه کشورها در عرصه مطالبات ملی و به ویژه نظام بین‌المللی می‌باشد. از این رو ارزیابی دقیق اسناد راهبردی فرصت مناسبی است تا بتوان به ارزش‌ها و مبانی موجود در سیاست‌های نظامی و امنیتی کشورها پی برد.

پژوهش‌های داخلی و حتی خارجی‌ای که در بحث بررسی اسناد راهبردی کشورها وجود دارند، عمدتاً در مورد این اسناد به کلی‌گویی پرداختند و یا در بهترین حالت، صرفاً گزاره‌های اصلی آن اسناد را مورد توجه قرار دادند. هرچند متونی که در این زمینه وجود دارند عنوان بهره‌گیری از روش تحلیل محتوا را یدک می‌کشند؛ اما بدون مقوله‌بندی و شاخص‌گذاری‌های دقیق و جامعی انجام شدند. این امر تأثیر منفی‌ای بر شناخت علمی، دقیق و جامع از جنبه‌های مختلف اسناد راهبردی کشورهای مدنظر دارد. از این رو با توجه به اهمیتی که اسناد راهبردی در فهم اهداف، تهدیدات، ابزارها و رویکردهای بازیگران دارد، وجود مفهوم‌بندی و شاخص‌گذاری‌های دقیق برای ارزیابی و تحلیل اسناد راهبردی ضروری است تا پژوهشگران و صاحب‌نظران بتوانند با استفاده از این مؤلفه‌ها و شاخص‌ها در چارچوب روش تحلیل محتوا، به‌طور علمی و دقیق‌تر کلیت اسناد راهبردی بازیگران مدنظر را تحلیل نمایند. بنابراین، ارائه مدل بومی با شاخص‌ها و مؤلفه‌های تحلیلی برای درک دقیق از اسناد راهبردی کشورها دغدغه اصلی این پژوهش محسوب می‌شود. بدین منظور، این پژوهش درصدد پاسخگویی به این پرسش اصلی است که در تحلیل اسناد راهبردی باید به چه ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی توجه شود تا جنبه‌های «هدف‌گذاری‌ها» و «جهت‌گیری‌های» مدنظر آن کشور به‌طور دقیق، جامع و علمی درک شود؟

## مبانی نظری

### ۱. مشخصات اسناد راهبردی

دستیابی به امنیت ملی به وجود یک استراتژی ملی وابسته است که به طور بهینه زیربنای سیاسی، نظامی، اقتصادی و شناختی و همچنین موارد مرتبط با مسائل اجتماعی، جمعیتی و سایر موضوعات دیگر را با هم متحد سازد. بنابراین دولت‌ها برای دستیابی به اهداف خودشان به یک نقشه یا طرحی به نام استراتژی نیاز دارند که رابطه منطقی و آگاهانه بین اهداف و ابزارها را نشان دهد. به همین دلیل غالب کشورها به تدوین استراتژی‌های اصلی و راهبردی روی می‌آورند. همه این اسناد راهبردی از یکسری ویژگی‌های مشترک برخوردارند و ساختار آن‌ها متشکل از عناصر مشابهی می‌باشد. این اسناد محصول مطالعه از محیط استراتژیک و پاسخ به تهدیدات برای دستیابی به اهداف است و همچنین مبتنی بر سیستمی از مفاهیم تفسیری می‌باشد که واقعیت‌های موجود در آن زمان و فرهنگ استراتژیک آن کشور را منعکس می‌کند (فینکل<sup>۱</sup>، ۲۰۲۰: ۵-۶).

بنابراین می‌توان گفت که این اسناد استراتژیک از یک سری ویژگی‌های ساختاری مشابهی، فارغ از کشور تدوین‌کننده آن برخوردارند. به طوری که در فرآیند تدوین اسناد استراتژیک به موارد ذیل توجه می‌شود:

۱. تجزیه و تحلیل وضعیت استراتژیک (چالش و زمینه آن)
۲. تعیین اهداف مورد نظر، شامل تعریف اهداف سیاسی فراگیر، و سپس اهداف خاص مورد نیاز برای دستیابی به آن
۳. شناسایی و یا توسعه ابزارها (منابع و قابلیت‌ها)
۴. طراحی شیوه‌هایی برای استفاده از ابزارها برای رسیدن به اهداف مورد نظر
۵. ارزیابی هزینه‌ها و خطرات مرتبط با استراتژی، توجه می‌شود (هفینگتون<sup>۲</sup> و دیگران، ۲۰۱۹: ۱-۴).

از نظر لاین<sup>۳</sup> اسناد استراتژیک سه مقوله را شامل می‌شود،

1. Finkel  
2. Heffington  
3. Layne

۱. تعیین منافع امنیتی
  ۲. شناسایی تهدیدات نسبت به این منافع
  ۳. تصمیم‌گیری در مورد چگونگی استفاده از منابع به‌عنوان ابزاری برای حفاظت از آن منافع (لاین، ۱۹۹۷: ۸۶).
- پینونیمی<sup>۱</sup> و همکارانش نیز معتقدند که این اسناد دو کارکرد عمده هدف‌گذاری و حل مشکلات را بر عهده دارند و ادراکات یا جهان‌بینی<sup>۲</sup> هر کشور را در ارتباط با موارد زیر است:
۱. دیدگاه هر کشور از محیط بین‌الملل
  ۲. جایگاه بازیگر در آن
  ۳. اهداف مرتبط با شکل‌دهی به محیط استراتژیک
  ۴. سیاست‌های مناسب برای دستیابی به این اهداف را در برمی‌گیرند (پینونیمی و دیگران، ۲۰۱۸: ۷ و ۱۰).

## ۲. دیدگاه استراتژیک

اولین ویژگی اسناد راهبردی مربوط به دیدگاه استراتژیک<sup>۳</sup> رهبران آن کشور است و این دیدگاه به درک سیاست‌گذاران از واقعیت‌ها و شرایط محیط بین‌المللی، متعارض بودن یا نبودن خواسته‌ها و منافع دیگران و همچنین مطلوب یا نامطلوب بودن رفتارهای بازیگران مختلف سیاست بین‌المللی اشاره دارد. این ادراک از محیط بین‌المللی می‌تواند ناشی از اعتقادات، برداشت‌ها و ایدئولوژی‌های سیاست‌گذاران و زمینه‌های تاریخی و فرهنگی (برای نمونه احساس ناامنی نسبت به بیگانگان و گسترش ایدئولوژی خود) آن کشور باشد (قوام، ۱۳۹۱: ۱۵۲-۱۴۸). تأمین نیازهای داخلی اعم از اقتصادی، فناوری، فرهنگی، سیاسی و امنیتی و شرایط جغرافیایی نیز در ادراک بازیگران نقش دارند. بنابراین تصورات، فرهنگ استراتژیک و هنجارهایی در مورد حقانیت بازیگران می‌تواند طیفی از دوستی‌ها و خصومت‌ها، اعتماد و بی‌اعتمادی‌ها و به‌طور کلی همکاری و رقابت را ایجاد کند.

---

1. Pynnöniemi  
2. worldviews  
3. Strategic perspective

## ۲-۱. رقابت

بازیگران ممکن است که محیط بین‌المللی را رقابتی و حتی منازعه‌آمیز ببینند که این امر در نقطه مقابل همکاری است. منازعه به وضعیتی اشاره دارد که در آن گروه انسانی معینی با گروه‌های انسانی دیگری به دلیل ناسازگاری واقعی یا ظاهری اهدافشان با یکدیگر تعارض آگاهانه دارند. هر یک از طرفین در منازعه به دنبال ختنی کردن و صدمه زدن رقبای خود شان هستند. البته باید توجه داشت که بین منازعه و رقابت محض تفاوت وجود دارد. دولت‌ها ممکن است که به خاطر دستیابی به عناصر کمیاب به رقابت با یکدیگر بپردازند، بدون آنکه از وجود رقبایشان آگاه باشند و یا بخواهند از دستیابی رقبا به اهدافشان جلوگیری کنند.

در مقابل اگر رقابت حالت ستیزه‌جویانه به خود بگیرد و طرفین درصدد تنزل موقعیت دیگران به نفع خودشان باشند، رقابت حالت منازعه‌آمیز به خود می‌گیرد. از این رو در چنین حالتی، رقبا سعی دارند از دستیابی دیگران به اهدافشان جلوگیری کرده و حتی رقبایشان را از دور رقابت خارج کنند. در این نوع از دیدگاه که نگاه بدبینانه بازیگران نسبت به محیط بین‌الملل غالب است با فرهنگ هابزی<sup>۱</sup> (دشمنی و منازعه) قرابت دارد. در این نوع از فرهنگ، کشورها برای دستیابی به برتری با یکدیگر رقابت می‌کنند و نگاهشان به اتحادها و ائتلاف‌ها به صورت موقتی و کوتاه‌مدت است. در فرهنگ هابزی دشمنی یا اصل «بکش یا کشته شو» غالب است و نگاه به شدت بدبینانه‌ای نسبت به محیط پیرامونی و آینده وجود دارد. دولت‌ها بر اساس این رویکرد که «اگر صلح می‌خواهید خود را آماده جنگ کنید»، به شدت مسلح خواهند شد. در این فرهنگ اگر جنگی رخ دهد طرفین هیچ مرزی را برای خشونت خودشان به رسمیت نمی‌شناسند. تجدیدنظرطلبانه بودن سیاست‌های دولت نیز یکی دیگر از ویژگی‌های این فرهنگ را نشان می‌دهد (جوکار و طوسی، ۱۳۸۹: ۱۸۴ و ۱۷۷-۱۷۵).

به‌طور کلی رقابت<sup>۲</sup> هدف کسب سیادت در زمینه خاص بین بازیگران را به دنبال دارد و به دو نوع تقسیم می‌شود:

۱. **رقابت استراتژیک**؛ در این نوع از رقابت طرف‌ها یکدیگر را دشمن و تهدید علیه امنیت

1. Hobbes  
2. Competition

ملی و دستیابی به منافع خودشان تلقی می‌کنند.

۲. **رقابت غیراستراتژیک؛** در این نوع از رقابت، طرف‌ها یکدیگر را تهدیدی نسبت به امنیت ملی خودشان نمی‌دانند. اگر رقابت به شکل استراتژیک تبدیل شود با نوعی خصومت همراه خواهد شد و در این حالت دولت‌ها یکدیگر را به‌عنوان دشمن و تهدید علیه امنیت ملی خود تصور می‌کنند. نمونه این امر را می‌توان در رقابت بین پاکستان و هند جستجو کرد.

هر دو نوع از رقابت استراتژیک و غیراستراتژیک می‌توانند ابعاد رقابت مکانی، موقعیتی و ایده‌ای را در برگیرند.

۱. رقابت مکانی رقابتی است که بر سر دستیابی به سرزمین، منابع، راه‌های آبی، مناطق ماهیگیری و راه‌های تجاری بین بازیگران رقابت وجود دارد؛
۲. رقابت موقعیتی نیز به رقابت بر سر قدرت نسبی نظامی، کسب موقعیت سیاسی-اقتصادی و نفوذ سیاسی بر یک منطقه جغرافیایی اشاره دارد؛
۳. رقابت ایده‌ای نیز، برای تحمیل یک ایدئولوژی یا القای هویت ملی متفاوت به دیگری پیگیری می‌شود (روحی دهنه، ۱۳۹۷: ۱۱۷-۱۱۶).
۴. روندهای چالش برانگیز در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی و همچنین تحولات در حوزه فناوری و جنگ به دیدگاه رقابتی و چالشی بودن جهان اشاره دارد.

## ۲-۲. همکاری

علاوه بر رقابت، باید به دیدگاه همکاری‌جویانه کشورها نیز توجه داشت. منظور از همکاری آن است که دولت‌ها محیط پیرامون خودشان را مبتنی بر اشتراک مساعی و هماهنگی جهت رسیدن به اهداف مشترک و یا حل و فصل اختلافات بدانند. البته باید توجه داشت که همکاری فراتر از هماهنگی است. بنابراین ممکن است که کشورها با پیشبرد سیاست یک‌جانبه و بدون اینکه سیاست‌های خود را با یکدیگر منطبق کرده باشند، سیاست هماهنگ داشته باشند؛ اما همکاری مستلزم انطباق و سازگاری سیاست‌ها با یکدیگر است و برای حصول به اهداف مشترک باید یک نوع هماهنگ‌سازی صورت بگیرد (زاگومنی، ۲۰۱۳: ۱). بنابراین همکاری یک سلسله فعالیت‌هایی است که از مشورت و هماهنگی صرف تا اشتراک مساعی را جهت حل و فصل مسائل و پیشبرد



هدف مشترک در برمی گیرد و این دیدگاه بیشترین قرابت را با فرهنگ کانتی (دوستی و همکاری) دارد.

همکاری اشکال متعددی دارد:

۱. **همکاری ضمنی**<sup>۱</sup> در ماهیت خود فاقد رسمیت و صراحت است و هدف آن همکاری بین بازیگران برای از کنترل خارج نشدن منازعه می باشد. اجتناب یا کاهش خطر از انگیزه اولیه همکاری ضمنی محسوب می شود و در شرایط خاص می تواند مبنایی برای توسعه یک رژیم رسمی یا غیررسمی باشد.
۲. **همکاری نامتقارن**<sup>۲</sup> مبتنی بر رضایت است. در این نوع از همکاری یکی از طرفین وارد منازعه می شود و دیگری از او حمایت ضمنی و علنی می کند. در اینجا یکی از این بازیگران نقش تسهیل کننده و توانمندسازی را دارد.
۳. **همکاری تمام‌عیار**<sup>۳</sup> در این نوع از همکاری دولت‌ها منفعت مشترک یا متقابلی نسبت به یک نتیجه مشخص دارند و به طور آشکار جهت دستیابی به آن نتیجه با یکدیگر همکاری می کنند. به طور کلی منظور از همکاری در اینجا اشتراک مساعی دولت‌ها برای رسیدن به هدف مشترک می باشد (جوکار و طوسی، ۱۳۸۹: ۱۷۵-۱۷۴).

علاوه بر این، الگوی رقابت و همکاری ممکن است که به طور هم‌زمان در روابط کشورها وجود داشته باشد، بدین معنی که دو کشور می توانند در برخی از موضوعات با یکدیگر همکاری و تعامل داشته باشند و در برخی دیگر از موضوعات به رقابت با یکدیگر پردازند. در واقع در این نوع از دیدگاه، دولت‌ها جهان را صرفاً همکاری جویانه و رقابتی نمی بینند و تعاملات خودشان را در چارچوب حقوق بین‌المللی و محدودسازی رفتارهای منازعه‌آمیز پیش می برند. این نوع از دیدگاه در قالب فرهنگ لاک (منازعه و همکاری) می گنجد. در این فرهنگ، اصل «زندگی کن و بگذار دیگران هم زندگی کنند» حاکم است و دولت‌ها صرفاً با یکدیگر به رقابت می پردازند. در فرهنگ لاک، قدرت نظامی کماکان اهمیت دارد و در صورت وقوع جنگ، طرفین خشونت خودشان را محدود می کنند. هرچند در این فرهنگ، حقوق بین‌الملل بر روابط طرفین حاکم است،

1. Tacit Cooperation  
2. Asymmetrical Cooperation  
3. Fully Cooperation

اما این فرهنگ مبتنی به نوعی محدودسازی از جانب خود و دیگری می‌باشد (جوکار و طوسی، ۱۳۸۹: ۱۸۵).

بر این اساس می‌توان گفت که دولت‌ها بر اساس نوع نگاهشان نسبت به محیط بین‌الملل و فرهنگ استراتژیک خود شان می‌توانند جهان را مملو از دشمنی، رقابت و همکاری ببینند. بنابراین دولت‌ها بنا بر مقتضیات داخلی و بین‌المللی و مبانی اندیشه‌ای خود به تعریف اهداف، ابزارها و رویکردهای مناسب برای دستیابی به آن هدف سیاسی می‌پردازند و بر اساس آن رفتاری با ماهیت رقابتی، منازعه‌آمیز یا همکاری‌جویانه و یک‌جانبه‌گرا یا چندجانبه‌گرا را در پیش می‌گیرند.

### ۳. منافع و اهداف

بعد از شناسایی مقوله دیدگاه راهبردی و زیرمقوله‌های مرتبط با آن، شاخص‌های مرتبط با منافع و اهداف<sup>۱</sup> که ویژگی دوم این اسناد محسوب می‌شوند نیز باید مورد توجه قرار گیرند.

#### ۳-۱. منافع

منافع ملی را می‌توان به‌طور گسترده به‌عنوان امنیت، رفاه و اصول یا ارزش‌ها طبقه‌بندی کرد. نکته این است که منافع نباید به‌عنوان هدف سیاسی تلقی شود که به‌طور محدود قابل دستیابی است، بلکه منافع به‌عنوان ستون راهنمای پایدار و دست نیافتی محسوب می‌شود. برای نمونه در زمان جنگ سرد منافع ملی از نوع امنیت مهم بود، اما پس از فروپاشی شوروی منافع از نوع امنیت برای آمریکا کمرنگ‌تر شد و به سمت منافع دیگری رفت. البته این بدین معنی نیست که منافع از نوع امنیت کاملاً تحقق یافته است بلکه بنا بر شرایط، اولویت‌بندی تغییر کرده است. چنانچه در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ امنیت دوباره مهم شد.

به‌طور کلی منافع به سه دسته تقسیم می‌شود:

۱. **منافع حیاتی (امنیت)** آن چیزی است که یک دولت برای حفظ آن ریسک می‌کند و حاضر است که برای دستیابی و حفظ آن به جنگ روی آورد. حفظ حاکمیت یک منافع حیاتی محسوب می‌شود.
۲. **منافع مهم (اقتصادی-رفاهی)** منافی هستند که اگر اقدامی برای حفظ آن صورت

1. Interests and Objectives

نگیرد باعث می‌شود که دولت تضعیف شود.

۳. **منافع حاشیه‌ای<sup>۱</sup> (ارزش‌ها)** به منافی اشاره دارد که مطلوب هستند اما از لحاظ هزینه و ریسک ارزش کمی دارند (هافینگتون و دیگران، ۲۰۱۹: ۱۱).

### ۳-۲. اهداف

از نظر هالستی<sup>۲</sup> سه معیار برای در نظر گرفتن هدف‌های ملی کشورها وجود دارد:

۱. ارزش و اهمیتی که سیاستمداران بر آن هدف قائل هستند؛

۲. فشارهایی که به سایر ملت‌ها برای دستیابی به آن هدف دنبال می‌کنند؛

۳. زمانی که برای دستیابی به هدف در نظر گرفته شده است.

توضیح این اهداف به شرح زیر است:

#### الف- اهداف کوتاه‌مدت و حیاتی

اهداف کوتاه‌مدت و حیاتی، آن‌هایی هستند که یک دولت موجودیت خودش را منوط به آن می‌کند و اگر این اهداف به خطر بیفتد دولت‌ها متوسل به جنگ می‌شود. این دسته از اهداف با امور ضروری سروکار دارند و اختیاری نیستند.

۱. حفظ موجودیت و استقلال کشور یک هدف حیاتی محسوب می‌شود.

۲. هدف حیاتی دیگر، رسیدن به مرزهای استراتژیک مطلوب اشاره دارد.

برخی از کشورها ممکن است که استقلال و تمامیت ارضی کشورهای دیگر را جزو اهداف حیاتی خودشان تلقی کنند. مثلاً آمریکا در زمان جنگ سرد، اروپای غربی را هدف حیاتی خودش می‌دانست. برای اسرائیل نیز تسلط بر بلندی‌های جولان و اشغال سواحل غربی رود اردن هدف حیاتی محسوب می‌شود.

۳. وحدت قومی و مذهبی و زبانی هم مهم است و گروه‌های ناسیونالیستی و جدایی طلب تهدید محسوب می‌شوند. به همین دلیل برخی از دولت‌ها می‌کوشند که قومیت‌هایی که به آن‌ها وابسته و همسایه هستند را با حمله نظامی و تهدید و براندازی به خودشان الحاق کنند. از این رو برای ایجاد وحدت قومی و کاهش تهدیدات نسبت به امنیت ملی،

1. Peripheral Interest  
2. Kalevi Jaakko Holsti

دولت‌ها به دنبال انضمام‌سازی هستند و این امر را برای امنیت و حیات خودشان ضروری می‌دانند (هالستی، ۱۳۹۰: ۲۲۶-۲۲۲)

### ب- اهداف میان‌مدت و درجه دوم

اهداف میان‌مدت و درجه دوم، اهدافی هستند که متضمن تقاضا از سایر کشورها است و دستیابی به این اهداف نیز ضروری است.

۱. اقدامات اجتماعی، بهداشتی و رفاهی از اهداف مهم محسوب می‌شوند. به طوری که نادیده گرفتن این نیازها می‌تواند باعث تضعیف و حتی نابودی یک نظام سیاسی شود. به همین دلیل دولت می‌بایستی بهبود کیفیت زندگی شهروندان و بهداشت در دستور کار خود قرار دهد. چراکه مسائل بهداشتی به طور غیرمستقیم و از طریق آسیب رساندن به افراد جامعه و اخلال در توسعه اقتصادی و تضعیف بیشتر زیرساخت‌های جوامع، موجب تهدید علیه امنیت می‌شود (اشرفی، ۱۳۹۳: ۹۰) و حتی می‌تواند موجب شکل‌گیری تروریسم (افراد یتیم شده توسط بیماری‌ها نیروی مناسبی را برای جذب فعالیت‌های تروریستی فراهم می‌کند) و بیوتروریسم (استفاده تروریست‌ها از مواد بیولوژیکی برای کشتار جمعی) و بی‌ثباتی داخلی (تأثیر بیماری بر گسترش فقر و جنگ داخلی) هم شود. بنابراین مقابله با این بیماری‌ها و اقدامات رفاهی نیازمند اقدامات داخلی و همکاری بین‌المللی است (سجادپور و رفعتی، ۱۳۹۰: ۱۲۶-۱۲۵).

۲. بخش دیگری از اقدامات دولت مربوط به اقدامات اقتصادی است. به دلیل محدودیت‌هایی که در داخل کشور وجود دارد، دولت‌ها سعی دارند رفاه و توسعه اقتصادی را از طریق اقدامات بین‌المللی دنبال کنند. ارتباط تجاری، کمک خارجی، سرمایه‌گذاری و بازاریابی در این دسته قرار می‌گیرند.

۳. افزایش اعتبار و پرستیژ یک کشور، از طریق اقدامات دیپلماتیک و میانجی‌گری، توان اکتشافات فضایی و گسترش توانایی‌های نظامی و هسته‌ای و همچنین اعطای کمک‌های خارجی پیگیری می‌شود. افزایش اعتبار یک کشور در حوزه مثلاً نظامی می‌تواند باعث شود که کشورهای دیگر کمتر نسبت به آن طمع حمله داشته باشند. تصمیم‌گیری در موضوعات بین‌المللی نیز جز اعتبار محسوب می‌شود.

۴. رویکردهای توسعه‌طلبی و ادعای سرزمینی نسبت به همسایگان (سرزمین‌های فاقد شرایط ضروری برای حفظ امنیت یا وحدت قومی)، گسترش سرزمینی و دستیابی به منطقه نفوذ در زمره اهداف میان مدت قرار دارد. در اینجا اشغال سرزمین خارجی موضوعیت ندارد، بلکه کنترل بر آبراه‌ها، آزادی حمل و نقل تسلط بر مواد خام مورد توجه قرار می‌گیرد، چرا که دولت‌ها احساس می‌کنند از طریق دیپلماسی و تجارت نمی‌توانند آن‌ها را کسب کنند، به همین دلیل به کنترل بر این حوزه‌ها روی می‌آورند.

### ج- اهداف بلندمدت

اهداف بلندمدت مربوط به طرح‌ها، رؤیایها و تصورات رهبران درباره ایجاد یک نظم است. اینجا کشورها اهداف جهانی دارند و سعی می‌کنند نظام مطلوب خودشان را شکل دهند. برای نمونه روسیه به دنبال این بود که حکومت کارگری جهانی شکل بگیرد و یا نظم بین‌المللی مطلوب مبتنی بر چندقطبی ایجاد شود. همچنین صدور ارزش‌ها و عقاید دینی، مذهبی و فرهنگی به دیگر ملل نیز یکی از این اهداف محسوب می‌شود. برای نمونه کشورهای بزرگ سعی دارند نوع نظام سیاسی و اقتصادی و شیوه زندگی خودشان را گسترش بدهند و از نفوذ تفکرات دیگری در سرزمین خودشان جلوگیری کنند. چنانچه روسیه در زمان شوروی نیز به دنبال گسترش عقاید کمونیستی و نظام اقتصاد سوسیالیستی بود (هالستی، ۱۳۹۰: ۲۳۲-۲۲۷).

### ۴. تهدیدات

- برای دستیابی به اهداف، تهدیداتی<sup>۱</sup> وجود دارد که باید به‌عنوان سومین ویژگی اسناد راهبردی، شناسایی شوند. این تهدیدات به‌طور کلی به دو دسته تهدیدات نظامی و غیرنظامی تقسیم می‌شود.
۱. تهدید نظامی به این اشاره دارد که منبع این تهدید از سوی نیروی مسلح یک کشور یا دولت است؛
  ۲. تهدید غیرنظامی نیز توسط افراد، گروه‌های اجتماعی و سازمان‌هایی که از نیروی مسلح یک دولت نیستند، تحمیل می‌شوند.

1. Threats

#### ۴-۱. تهدیدات نظامی

- تهدیدات نظامی به تهدید متعارف، غیرمتعارف و پایین تر از حد متعارف تقسیم می شود:
۱. تهدید متعارف به سلاح های معمولی با برد محدود اشاره دارد و شامل سلاح های کوچک و سبک، مین ها، بمب ها و خمپاره ها می شود؛
  ۲. تهدیدات نظامی غیرمتعارف نیز تهدیداتی هستند که از سوی سلاح های کشتار جمعی تهدید ایجاد می کند و برد بالایی هم دارند. سلاح های شیمیایی، بیولوژیکی (ویروس ها و باکتری ها) و هسته ای در این دسته قرار می گیرند؛
  ۳. تهدید پایین تر از حد متعارف به اقدامات عمدتاً نظامی و مخفی ای گفته می شود که بازیگران دولتی علیه دیگری استفاده می کنند، بدون آنکه به این اقدامات برچسب جنگ متعارف یا غیرمتعارف اطلاق شود. در واقع در این نوع از تهدید، طرفین پایین تر از آستانه جنگ علیه یکدیگر اقدام خصمانه انجام می دهند.

#### ۴-۲. تهدیدات غیر نظامی

- تهدیدات غیر نظامی به دو دسته طبیعی و انسانی تقسیم می شوند:
۱. تهدید غیر نظامی طبیعی نیز خود به دو دسته ارگانیک و غیر ارگانیک قابل تفکیک است؛
    - ۱- دسته ارگانیک از تهدیدات طبیعی ریشه در عوامل بیولوژیکی دارد مانند بیماری های عفونی و ویروسی و این می تواند یک بیماری همه گیر ایجاد کند؛
    - ۲- تهدید غیر نظامی طبیعی غیر ارگانیک به نیروهای طبیعی بی جان از جمله طوفان و زلزله، سیل و خشک سالی و طوفان یخ زدگی و آتش فشان اشاره دارد.
  ۲. تهدید غیر نظامی انسانی یا فوق ارگانیک نیز به دو دسته، کسانی که از خشونت استفاده می کنند و کسانی که از خشونت استفاده نمی کنند، تقسیم بندی می شود:
    - ۱- تهدید انسانی همراه با خشونت به سه دسته ذیل تقسیم می شود:
      - الف- تهدیداتی که از سوی تروریسم تحمیل می شود. آنهایی که می توانند خطوط لوله و زیرساخت های مسکونی را منفجر کنند و همچنین سوخت رسانی هواپیما را هم تحت تأثیر قرار دهند؛

ب- تهدیداتی که بحث حملات سایبری مخرب از سوی بازیگران غیردولتی را در برمی گیرد؛

ج- جرائم سازمان یافته‌ای که از طریق پول‌شویی، قاچاق مواد خطرناک و اسلحه، مواد مخدر و افراد، انجام می‌شود. این تهدید با مهاجرت انبوه افراد یا انتقال فرامرزی مواد شکل می‌گیرد و می‌تواند تهدیداتی را متوجه امنیت ملی کند.

۲- تهدیدات غیرنظامی انسانی غیر خشونت‌آمیز نیز شامل سه دسته می‌شود:

الف- تهدیدات اجتماعی که این نوع از تهدید به دلیل بیکاری و فقر ایجاد می‌شود. تهدیدات سایبری از جمله سرقت اطلاعات و دست‌کاری‌های رسانه‌ای نیز در دسته تهدیدات اجتماعی قرار می‌گیرد. همچنین ناکارآمدی دولت در مورد ارائه خدمات بهداشتی، رفاهی و ناهنجاری‌های اجتماعی را باید در زمره تهدیدات اجتماعی قرار داد؛

ب- تهدید فنی به‌خاطر تصادفات و سانحه هوایی؛

ج- تهدیدات زیست‌محیطی که به‌خاطر آلودگی، کود و رنگ‌های شکل می‌گیرد (گلن، ۲۰۱۲: ۶۱-۵۶).

### ۳-۴. سایر تهدیدات

در کنار تهدیدات نظامی و غیرنظامی باید به تهدیدات دیگری نیز توجه داشت که در هیچ‌یک از این دسته‌بندی‌ها قرار نمی‌گیرند، ولی مهم هستند. آنچه در این زیرمقوله فرعی مورد توجه قرار می‌گیرد، بحث فقدان توانمندی‌های نظامی، چالش‌های جغرافیایی و جمعیتی و همچنین سایر چالش‌های امنیتی می‌باشد که می‌تواند تهدیداتی را متوجه امنیت ملی کند.

### ۵. ابزارها

چهارمین ویژگی این اسناد راهبردی، مربوط به مقوله ابزار<sup>۱</sup> می‌باشد و بازیگران و نهادها با داشتن ابزار دیپلماتیک، اطلاعاتی، نظامی، اقتصادی و سایر ابزارها (علمی و فناوری، بهداشتی و

اجتماعی و زیست‌محیطی) می‌توانند اهداف خودشان را دنبال کنند. انتخاب این ابزارها با توجه به شرایط و کارآمدی ابزارها برای تعقیب اهداف می‌باشد. در ادامه ابعاد هر یک از این ابزارها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ۱-۵. دیپلماسی

دیپلماسی<sup>۱</sup> به‌عنوان یک تعامل رسمی است و نحوه تعامل رسمی یک کشور با بازیگران دولتی و غیردولتی محسوب می‌شود. از ابزار دیپلماتیک می‌توان برای دستیابی به اهداف سیاسی، نظامی و اقتصادی استفاده کرد. وزارت امور خارجه و وزارت خزانه‌داری برای پیشبرد اهداف سیاسی و اقتصادی خودشان می‌توانند از این مهم استفاده کنند. وزارت دفاع هم برای همکاری‌های نظامی، گفتگوها برای کاهش تنش‌ها، مذاکره نظامی و تسلیحاتی با هم‌تایان خودشان وارد دیپلماسی می‌شوند.

تعاملات دیپلماتیک انواع مختلفی دارد:

۱. **ارائه (توضیح و حمایت از مواضع):** متداول‌ترین اقدام دیپلماتیک محسوب می‌شود و شامل ایجاد روابط روزمره با هم‌تایان خارجی برای توصیف، دفاع و پیشبرد موضع‌گیری می‌شود و این امر به درک دیگران از سیاست یک کشور کمک می‌کند؛
۲. **مذاکره (بده و بستانی):** روشی برای تولید نتایج استراتژیک است. مذاکره به‌طور کلی فرایند بده و بستانی برای دستیابی به توافقی است که یک مسئله یا تعارض را رفع می‌کند یا سود متقابل برای طرفین ایجاد می‌کند؛
۳. **اجرا (پیاده‌سازی توافق‌نامه‌ها):** دیپلماسی با رسیدن به یک توافق پایان نمی‌یابد و باید اقداماتی در راستای پیاده‌سازی آن صورت بگیرد. موضوع اجرا، حفظ ائتلاف‌ها و اجرای قانون ملی و بین‌المللی را شامل شود (هافینگتون و دیگران، ۲۰۱۹: ۲۴-۲۲)؛
۴. محدودیت دیپلماتیک به قطع تعاملات دیپلماتیک با کشور هدف و همچنین مقابله و منزوی کردن تلاش کشورها برای نقض حقوق بین‌الملل و قوانین اشاره دارد؛
۵. دیگر ابزارهای دیپلماتیک مربوط به استفاده از دیپلمات‌های حرفه‌ای و امکانات مدرن

1. Diplomatic



برای در پیش گرفتن دیپلماسی مؤثر و همچنین شامل تعمیق همکاری و حمایت دیپلماتیک از کشورهای هدف می‌شود.

## ۲-۵. اطلاعات

ابزار اطلاعات<sup>۱</sup> طیفی متنوعی از جاسوسی، دیپلماسی عمومی، ارتباطات استراتژیک، عملیات سایبری، عملیات روانی و نفوذ، تبلیغات سیاسی و عملیات در طیف الکترومغناطیسی را شامل می‌شود. بازیگرانی همچون دانشگاهیان، دولت، جامعه مدنی و افراد از آن بهره می‌گیرند. ماهیت ابزار اطلاعاتی حول سه رکن درک، توزیع یا پخش و دست‌کاری می‌باشد:

۱. **ادراک**، به درک دقیق از جهان و جمع‌آوری اطلاعات و پردازش اطلاعات اشاره دارد و عمدتاً به فعالیت‌های جاسوسی از اطلاعات اطلاق می‌شود؛
۲. **اطلاع‌رسانی یا توزیع** به شفاف‌سازی هدف یا بهبود ادراک مخاطب اشاره دارد و به انتقال متقاعدکننده اطلاعات به مخاطب مربوط می‌شود، تبادلات فرهنگی و ارائه روایت‌هایی در راستای حقانیت خود می‌تواند در افکار و ادراک جهانیان و مخاطبین خارجی و داخلی در مورد رفتار و اهداف کشور ارسال‌کننده این پیام‌ها مفید واقع شود؛
۳. **دست‌کاری یا کنترل** نیز برای پنهان کردن، محدود کردن و جعل اطلاعات است. دست‌کاری شامل تلاش برای نفی توانایی‌های دیگری و تقویت توانایی‌های خود برای انجام همان کار است. به‌طور کلی دست‌کاری اطلاعات شامل ایجاد اختلال در ادراک، انجام عملیات فریب، پروپاگاندا و بسیاری از فعالیت‌های سایبری غیر خشونت‌آمیز (از آنجایی که زیرساخت‌های نظامی و غیرنظامی در بستر شبکه‌های رایانه‌ای انجام می‌شود، از طریق اقدامات سایبری می‌توان اقداماتی برای از بین بردن اطلاعات انجام داد)، تبلیغات و سایر اقدامات با هدف محدود کردن و از بین بردن اطلاعات می‌باشد (هافینگتون و دیگران، ۲۰۱۹: ۲۷-۲۴)؛
۴. بهبود قوانین و مقررات برای پیشگیری از جرائم، توسعه سیستم آموزش حرفه‌ای برای کارشناسان حوزه امنیت و تقویت ارزش‌های معنوی و اخلاقی در جامعه برای حفظ

انسجام فرهنگی و وحدت اجتماعی در حوزه دیگر ابزارهای اطلاعاتی و امنیتی قرار می‌گیرد.

### ۳-۵. نظامی

ابزار نظامی<sup>۱</sup> مستلزم اعمال زور، تهدید به اعمال زور، آماده کردن یا «توانمند کردن» متحدان به اعمال نیروی زور علیه مخالفان برای پیشبرد اهداف سیاسی است. در بحث ابزار نظامی باید به این موارد توجه داشت:

۱. اعمال نیروی زور، اعمال خشونت علیه دیگری برای اعمال فشار یا از بین بردن است که می‌تواند در حوزه‌های زمینی، دریایی و هوایی و فضا و سایبری (این اقدام سایبری خشونت‌آمیز است و می‌تواند زیرساخت‌های نظامی را از بین ببرد) رخ دهد. این ابزار می‌تواند شامل درگیری‌های گسترده، فعالیت‌های مخفی و پنهانی، به کارگیری پروکسی‌ها و استفاده از قدرت سایبری مخرب و خشونت‌آمیز باشد که در آن برای دستیابی به اهداف سیاسی و اهداف خاص از خشونت استفاده می‌شود (رومئو<sup>۲</sup>، ۲۰۱۶: ۸-۹)؛

۲. تهدید به نیروی زور، برای اصلاح اجباری (اجبار<sup>۳</sup> در معنای عام که خود بازدارندگی و اجبار مثبتی به تهدید به اعمال زور را در برمی‌گیرد) رفتار فعلی یک دشمن یا شکل دادن به اقدامات آینده او جهت تحقق اهداف سیاسی اجبارکننده به کار می‌رود. اجبار می‌تواند به صورت دفاعی (بازدارندگی<sup>۴</sup>) برای بازداشتن دشمن به شروع اقدامی انجام شود و یا به صورت تهاجمی (اجبار مثبتی به تهدید به اعمال زور<sup>۵</sup>) که در صورت اجرا در حوزه اعمال زور قرار می‌گیرد، جهت مجبور کردن دشمن برای متوقف کردن یک عمل یا کنار گذاشتن چیز با ارزش پیگیری شود. عامل مهم در اینجا اثربخشی اعتبار است و یک دشمن باید به توانایی و تمایل حریف برای جبران تهدید اعتقاد داشته باشد

---

1. Military  
2. Romeo  
3. Coerce  
4. Deterance  
5. Compellance

(رومئو، ۲۰۱۶: ۹-۸)؛

۳. آماده‌سازی نیرو یا توانمند کردن نیروی متحدان، به بهبود ظرفیت و توانایی شرکای بین‌المللی برای اعمال یا تهدید به استفاده از زور و همچنین همکاری‌های نظامی یک کشور با بازیگران دیگر اشاره دارد. این اقدام ممکن است مبتنی بر کمک به بازیگران دولتی و غیردولتی برای تقویت قابلیت نظامی آن‌ها، برای بهبود امنیت آن کشور و منطقه، برای تقویت نهادهای قدرت نظامی، سوق دادن یک کشور متحد و همسو به یک شریک نظامی مؤثر، پیوند دادن یک کشور خارجی به خود از طریق همکاری نظامی باشد (هافینگتون و دیگران، ۲۰۱۹: ۳۰-۲۸)؛

۴. تقویت توان نظامی کشور به بحث تحقیق و توسعه و افزایش کمی تجهیزات نظامی اشاره دارد تا از این طریق آمادگی کشور جهت مقابله با تهدیدات از طریق اعمال زور و تهدید به زور حفظ و افزایش یابد.

#### ۴-۵. اقتصادی

هرچقدر اقتصاد یک کشور بزرگ‌تر و پربارتر باشد منابع بیشتری در اختیار دارد تا از این طریق بتواند بودجه عملیات خارجی را تأمین کند و باعث تقویت سایر ابزارها شود. قدرت اقتصادی به‌عنوان ابزار اقتصاد به‌دنبال پیشبرد یا محدود کردن رونق اقتصادی مناطق، دولت‌ها، نهادها و گروه‌های کلیدی است و سه جنبه کلی را در برمی‌گیرد:

۱. کمک یا مساعدت؛ این اقدام به کمک‌های مالی، کالایی و خدماتی یک کشور یا بازیگر دولتی و غیردولتی به کشور دیگر اشاره دارد. این کمک‌ها می‌تواند برای بهبود توانایی و ظرفیت یک کشور خاص صورت بگیرد. این کمک‌ها به ایجاد حسن نیت یا روابط بلندمدت منجر شود. کمک‌ها می‌تواند دوجانبه یا چندجانبه باشد و از طریق سازمان‌های مالی بین‌المللی مانند بانک جهانی، بانک توسعه آسیا انجام می‌شود (هافینگتون و دیگران، ۲۰۱۹: ۳۰)؛

۲. تجارت؛ تجارت کالا و خدمات این ظرفیت را ایجاد می‌کند که به‌طور قابل توجهی

ثروت و کامیابی اقتصادی شرکای تجاری را افزایش می‌دهد. محدودیت‌ها تجاری از جمله تحریم‌ها و تعرفه‌ها به اقتصاد کشورهای مخالف آسیب می‌زند. توافق‌نامه‌های تجاری یا کاهش تعرفه‌ها می‌تواند نتایج مطلوبی به دنبال داشته باشد. در نظر گرفتن محدودیت‌های تجاری به عنوان ابزار سیاست دولت می‌تواند به اقتصاد داخلی آن کشور اجبارکننده نیز آسیب برساند؛

۳. امور مالی به شبکه پیچیده جریانات سرمایه‌ای اشاره دارد. محدود کردن یا جلوگیری از دسترسی به سیستم‌های مالی و بانکی (تحریم‌ها) می‌تواند با هدف سیاسی دنبال شود. همانند بحث تجارت، در محدود کردن امور مالی هم باید دقت شود تا استفاده از این ابزار اقتصادی به رفاه اقتصادی خود کشور و متحدان آسیبی نرساند (هافینگتون و دیگران، ۲۰۱۹: ۳۱-۳۰)؛

۴. محدودیت در ارائه کمک‌ها؛

۵. محدودیت در تجارت؛

۶. انجام محدودیت در مبادلات مالی دیگر ابزارهای اقتصادی را شامل می‌شود؛

۷. انجام اقدامات زیرساختی در حوزه حمل‌ونقل، سیاست‌های مالی و پولی و کاهش مالیات‌ها برای بهبود اقتصاد ملی از جمله موضوعاتی است که در حوزه اقتصادی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

## ۵-۵. سایر ابزارها

در بحث سایر ابزارهای<sup>۱</sup> می‌توان به ابزارهایی اشاره کرد که در هیچ‌یک از ابزارهای فوق قرار نمی‌گیرند ولی مهم محسوب می‌شوند:

۱. **اجتماعی و بهداشتی**؛ این ابزار طیفی از اقدامات جهت حفاظت از شهروندان در برابر بلایای طبیعی (سیل، زلزله و ...) و بلایای انسانی (آتش‌سوزی و سایر سوانح ناشی از انسان)، بهبود رفاه و سلامت جامعه را شامل می‌شود.

۲. **فناوری، علمی و آموزشی**؛ این ابزار به ارائه تکنولوژی‌های جدید، آموزشی و تحقیق

1. Other tools

و توسعه جهت نوآوری‌های جدید برای نو سازی اقتصادی، توسعه صنعتی و جلوگیری از آلودگی‌های زیست اشاره دارد.

۳. ابزار زیست‌محیطی؛ مجموعه‌ای از اقدامات برای پشتیبانی از سطح کیفی محیط‌زیست، منابع و جلوگیری از آلودگی در زمره ابزار زیست‌محیطی قرار می‌گیرد.

## ۶. روش‌های به‌کارگیری از ابزارها

بعد از شناسایی ابزارها، راه‌های دستیابی به اهداف سیاسی به‌عنوان پنجمین ویژگی اسناد راهبردی نیز باید شناسایی شوند. شناسایی ابزارها به «چه چیزی؟» متکی است. بدین معنی که از چه ابزاری باید برای رسیدن به اهداف خاص استفاده شود؟ طراحی روش‌ها یا راه‌ها<sup>۱</sup> (رویکردها و شیوه اقدام) بر «چگونگی؟» استوار است. بدین معنی، بعد از اینکه ابزار انتخاب شد، باید مشخص شود که چگونه از آن ابزارها استفاده شود و رویکردها و شیوه‌های اقدام چگونه باشد؟ در تدوین این استراتژی‌ها بحث چگونگی استفاده از این ابزارها با توجه به سوالات ذیل مورد بررسی قرار گرفته است:

۱. کدام رویکرد استراتژیک بنیادین مناسب است؟
  ۲. در این رویکردهای استراتژیک کدام شیوه‌های اقدام (مستقیم یا غیرمستقیم، موازی یا متوالی) امیدوارکننده‌تر است؟
  ۳. کدام ابزار برای کمک به تأمین هدف سیاسی مناسب است؟
- با توجه به این ملاحظات که در اسناد راهبردی وجود دارد، می‌تواند رویکردها و شیوه اقدام هر یک از بازیگران را مورد شناسایی قرار داد.

### ۶-۱. رویکردهای استراتژیک

بازیگران با توجه به منافع، زمینه استراتژیک، اهداف سیاسی و خاص و همچنین ابزارهای موجود، رویکردهایی را انتخاب می‌کنند. رویکرد استراتژیک انواع مختلفی دارد:

۱. همساز شدن یا تطبیق کردن<sup>۲</sup>، به معنای تن دادن به منافع و اهداف دیگران است با این

1. Methods of Action  
2. Accommodate

- نیت که رقابت یا منازعه کاهش یابد یا از شدت آن جلوگیری شود. مماشات و سازگاری در این دسته قرار می‌گیرند.
۲. شکل‌دهی<sup>۱</sup>، غالباً یک رویکرد سازنده یا ایجاد کننده، با هدف ایجاد یک محیط سودمندانه است. این رویکرد وقتی مناسب است که تهدید آشکار یا فوری و شدید نباشد و فرصتی ایجاد شود که وضعیت استراتژیک به نفع آن کشور باشد. در اینجا از اقدامات آشکار کمتری استفاده می‌شود.
۳. متقاعد کردن<sup>۲</sup>، شامل یک تلاش برای اقناع دیگری با بحث و گفتگو است. اقناع در مواردی اعتبار دارد که منافع طرفین همسود یا به‌طور قابل توجهی همپوشانی داشته باشد، در غیر این صورت چندان معتبر نیست. از این رو یک اقناع موفقیت‌آمیز می‌تواند منجر به یک همکاری قوی‌تر شود (هافینگتون و دیگران، ۲۰۱۹: ۳۸-۳۷).
۴. توانمندسازی<sup>۳</sup>، از توانمندسازی وقتی استفاده می‌شود که منافع همسود باشد و این عمل برای بهبود قابلیت‌های بازیگری استفاده می‌شود که قبلاً اقدام مفیدی انجام داده است. توانمندسازی بازیگران دیگر می‌تواند با روش‌هایی همچون توانمندسازی نظامی شرکا یا ارائه کمک‌های مالی و اطلاعاتی به یک متحد انجام شود.
۵. آمادگی<sup>۴</sup>، به تقویت بنیه دفاعی و نظامی و همچنین اقتصادی و رفاهی اشاره دارد. در این رویکرد سعی می‌شود که آمادگی کشور را در برابر چالش‌های فعلی و جدید پیش‌بینی نشده حفظ کرد.
۶. ترغیب‌سازی و تحریک کردن<sup>۵</sup>، به ارائه پیشنهاد مثبت همچون وعده کمک، تضمین‌های امنیتی یا امتیازات تعرفه‌ای برای تغییر رفتار یک بازیگر یا کشور اشاره دارد. در مواقعی که منافع به‌طور قابل توجهی همسود یا همپوشانی نداشته باشند، ترغیب کاربرد دارد. ترغیب کردن یک رابطه معاملاتی یا بده و بستان است (هافینگتون و دیگران، ۲۰۱۹: ۳۸-۳۷).

1. Shape
2. Persuade
3. Enable
4. Preparation
5. Induce

۷. تعهدپذیری<sup>۱</sup>، به انجام تعهدات بین‌المللی از سوی یک کشور اشاره دارد. بدین معنی که آن کشور تا چه حد به تعهدات بین‌المللی محول شده به تابعان حقوق بین‌المللی پایبند است و حاضر به نادیده‌گیری بخشی از تمایلات و ادعاهای خود جهت تحقق آن پیمان می‌باشد.
۸. اجبار<sup>۲</sup>، عبور از آستانه مفهومی و روانی مهم با حرکت از یک مشارکت مثبت به منفی با پتانسیل استفاده، یا تهدید به استفاده از نیروی زور است. اقدامات اجباری می‌تواند واقعی یا آینده‌نگر باشد و شامل اقداماتی مانند حذف کمک (مالی و اطلاعاتی) به یک کشور، امتناع از فروش اسلحه، افزایش تعرفه‌ها، اعمال تحریم، قطع روابط دیپلماتیک و استقرار نیروها باشد. اجبار شامل بازدارندگی و اجبار مبتنی به تهدید به اعمال زور<sup>۳</sup> است (اونیشی<sup>۴</sup>، ۲۰۱۹: ۱).
۹. تسلیم کردن مخالف<sup>۵</sup>، در مقایسه با اجباری‌ترین اقدام اجباری (تهدید به زور)، اجباری است. تسلیم کردن از لحاظ اعمال زور سخت‌تر است و شامل اشغال، تغییر رژیم، تخریب شدید ظرفیت‌های دولت هدف که می‌تواند از این ظرفیت‌ها برای به کارگیری نیروی زور و یا دفاع از خود استفاده کند، می‌شود؛
۱۰. ریشه کن کردن یا از بین بردن<sup>۶</sup> نیز به حذف مطلق دولت یا بازیگر هدف، رهبران کلیدی و ایدئولوژی هدایت‌کننده آن اشاره دارد (هافینگتون و دیگران، ۲۰۱۹: ۳۸-۳۹).

## ۲-۶. شیوه‌های اقدام

علاوه بر شناسایی رویکرد استراتژیک، باید توجه شود که بازیگران از کدام شیوه اقدام برای دستیابی به اهداف سیاسی خودشان استفاده می‌کنند. شیوه اقدام مجموعه‌ای از گزینه‌های استراتژیک در ارتباط با چگونگی استفاده از ابزارهای قدرت برای دستیابی به اهداف سیاسی و خاص است. شیوه اقدام می‌تواند

1. Commitment
2. Coerce
3. Compellance
4. Ohnishi
5. Subdue
6. Eradicate

۱. آشکار<sup>۱</sup>/پنهان<sup>۲</sup> و

۲. یک‌جانبه<sup>۳</sup> / دو‌جانبه یا چندجانبه دروغین<sup>۴</sup> / چندجانبه<sup>۵</sup> باشد.

### ۱-۲-۶. اقدامات آشکار/پنهان

کشورها ممکن است برای دستیابی به اهداف از چند شیوه اقدام به‌طور هم‌زمان (آشکار و پنهان با یکدیگر) استفاده کنند. وقتی یک دولت سعی دارد از طریق ابزار نظامی علیه یک کشور یا بازیگری اقدام انجام دهد، باید در نظر داشته باشد که چگونه می‌خواهد از این ابزار استفاده کند. این دولت می‌تواند از ابزار نظامی از طریق وزارت دفاع استفاده کند که بیشتر بصری و آشکار است، اما گاهی اوقات سعی دارد از این ابزارها به صورت مخفی استفاده کند که در شرایط خاص سرویس‌های اطلاعاتی و پروکسی‌ها می‌تواند مؤثر واقع شوند (دانشکده ملی جنگ<sup>۶</sup>، ۲۰۱۷: ۷-۸).

### ۲-۲-۶. اقدامات یک‌جانبه / دو‌جانبه یا چندجانبه دروغین / چندجانبه

کشورهای در تعامل با دیگران و پیشبرد اهداف خودشان ممکن است، یک‌جانبه‌گرایی و چندجانبه‌گرایی را در پیش بگیرند. اینها به‌عنوان مؤلفه‌های در نظر گرفته می‌شوند که می‌توان عملکرد بین‌المللی یک کشور را تحلیل کرد<sup>۷</sup>:

۱. یک‌جانبه‌گرایی شیوه‌ای است که بر اساس آن، یک کشور برای تأمین امنیت و منافع ملی‌اش صرفاً بر منافع خود تکیه می‌کند. چنین دولت‌هایی عملاً خودشان را بی‌نیاز از دیگر دولت‌ها و تعهدات بین‌المللی می‌بینند و به توانایی‌های خود جهت پیشبرد اهداف و مقابله با تهدیدات باور دارند. به‌طور کلی این کشورها ضمن تأکید به توانایی‌ها و راه‌حل‌های خود، به مشارکت فعال در امور بین‌المللی نیز توجه دارند، چراکه مشارکت محدود در امور بین‌الملل و مداخله‌گرایی یکی از ویژگی‌های یک‌جانبه‌گرایی محسوب

1. Overt
2. Covert
3. Unilateral
4. false multilateralism
5. multilateralism
6. National War College

۷. یک‌جانبه‌گرایی خود را به عنوان «ملت استثنای» در نظر می‌گیرند و به همین دلیل با نظامی‌گری و هژمون‌گرایی در صدد تحقق اهدافشان می‌باشند. در مقابل چندجانبه‌گرایی خودشان را به عنوان «شریک برابر» به ملت‌های دیگر معرفی می‌کنند و از طریق همکاری و مشارکت با دیگران به دنبال پیشبرد اهداف و سیاست‌های خودشان هستند.



می‌شود. کشورها همیشه نمی‌توانند با یک‌جانبه‌گرایی اهداف خودشان را پیش ببرند، بنابراین قبول واقعیت‌هایی که در آن، سیاست‌ها بدون همکاری با دیگران تحقق پیدا نمی‌کنند، کشورها را به سمت چندجانبه‌گرایی سوق می‌دهد. در این رویکرد کشورها به دنبال تقویت قدرت و مشروعیت بخشیدن به نهادها، هنجارهای و ارزش‌های بین‌المللی هستند (عامری گلستانی و شجاعی، ۱۳۹۶: ۱۷۴ و ۱۶۹).

۲. چندجانبه‌گرایی دروغین نیز به دو جانبه‌گرایی و خودمحوری در تعاملات و مراودات سیاسی، اقتصادی و نظامی اشاره دارد و بیشترین قرابت را با یک‌جانبه‌گرایی دارد.

اتخاذ رویکرد یک‌جانبه یا چندجانبه و همچنین همکاری کردن یا همکاری نکردن کشورها را می‌توان با توجه به نظریه‌های جریان اصلی روابط بین‌المللی تبیین کرد. از نظر لیبرال‌ها، فطرت انسان خوب است، به همین دلیل از نظر لیبرال‌ها می‌توان به دیگران اعتماد کرد و وارد همکاری با آن‌ها شد. وابستگی متقابل اقتصادی و تجاری عاملی است که دولت‌ها به سمت همکاری می‌روند و نهادهای بین‌المللی نیز می‌توانند به کاهش رفتارهای خودخواهانه دولت‌ها کمک کنند، چراکه این نهادها از یک طرف باعث می‌شوند، دولت‌ها از منافع کوتاه‌مدت صرف‌نظر کنند و به دنبال همکاری برای دستیابی به منافع مهم‌تر در بلندمدت باشند. از طرف دیگر نیز این نهادها هنجارهایی را مطرح می‌کنند که می‌تواند باعث تنظیم رفتار بازیگران شود. به‌طور کلی در این رویکرد دولت‌ها تمایل دارند که همکاری خودشان را با دیگران افزایش دهند، حتی اگر احساس کنند که در این همکاری، دیگران منافع بیشتری کسب می‌کنند (قوام، ۱۳۹۱: ۲۹۵-۲۸۷).

از نظر رئالیست‌ها نیز، دولت‌ها خودخواه، منفعت‌طلب و ذاتاً شرور هستند. در این دیدگاه نسبت به نهادهای بین‌المللی برای همکاری، بی‌اعتمادی وجود دارد و همه دولت‌ها به دنبال کسب قدرت هستند. روابط بین‌الملل منازعه‌آمیز است و چشم‌انداز همکاری در این دیدگاه ضعیف است، چراکه دولت‌ها از ترس استثمار شدن و کاهش استقلال، همکاری را محدود می‌کنند. از نظر رئالیست‌ها وابستگی بیشتر باعث آسیب‌پذیری بیشتر می‌شود و می‌تواند عدم امنیت ایجاد کند. از نظر رئالیست‌ها دو عامل مانع همکاری است، از یک سو آن‌ها در همکاری نگران هستند که چه کسی در این همکاری سود بیشتری می‌برد (دستاوردهای نسبی) و این احتمال را می‌دهند که این همکاری می‌تواند به هزینه خود بازیگر و به نفع دیگری باشد. از این رو دولت‌ها نمی‌خواهند در

یک همکاری طرف مقابل سود بیشتری ببرد، چراکه در بلندمدت موازنه قدرت به هم می‌خورد و قدرت یکی نسبت به دیگری افزایش می‌یابد. از سوی دیگر فریب‌کاری‌هایی که وجود دارد مانع از همکاری می‌شود و کشورها ممکن است برای افزایش منفعت خودشان در یک همکاری به نیرنگ روی آورند (قاسمی، ۱۳۸۰: ۸۷-۸۵).

برای درک بهتر الگوی همکاری و رقابت در دیدگاه رئالیسم باید توجه داشت که این نظریه به ویژه رئالیسم ساختاری به دو دسته رئالیسم تدافعی و تهاجمی تقسیم می‌شود. در رئالیسم تهاجمی، یک بازیگر امنیت خودش را در کاهش عامدانه امنیت سایر کشورها جستجو می‌کند و تعمداً امنیت سایر دولت‌ها را تهدید می‌کند. از آنجایی که مبارزه برای دستیابی به قدرت اولین گام برای قدم نهادن در عرصه بین‌المللی است، به همین دلیل کشورها درصدد هستند که قوی‌ترین بازیگر در نظام بین‌المللی باشند، تا در برابر دیگر رقبا برتری داشته باشند. مطابق با رئالیسم تهاجمی، دولت‌های دیگر باید مقهور شوند، چراکه ممکن است برای امنیت ملی کشور تهدید ایجاد کنند. بنابراین، در این شرایط بازیگران هر وقت لازم باشد ممکن است اراده خودشان را به دیگری تحمیل کنند. به‌طور کلی واقع‌گرایی تهاجمی با رد همکاری، نوع رقابتی‌تر واقع‌گرایی محسوب می‌شود و نگاه بدبینانه‌ای نسبت به رفتار دیگری دارد (متقی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۰-۷).

رقابت منازعه‌آمیز مورد تأکید رئالیسم تهاجمی، خطرات بیشتری برای کشورها به دنبال دارد و پیامدهای آن مسابقه تسلیحاتی، جنگ و در صورت شکست، تهدید نسبت به موجودیت کشور می‌باشد. این در حالی است که رئالیسم تدافعی، تعارضات موجود در نظام بین‌المللی را خوش‌خیم می‌بیند و بر اساس آن، کشورها یا الگوی دنباله‌روی و همراهی و یا موازنه قدرت و بازداشتن رقیب را در دستور کار خود قرار می‌دهند. همچنین در این رویکرد دولت‌ها با مسلح کردن خود و بالا بردن قابلیت‌های دفاعی در صورت بروز جنگ، احتمال شکست خودشان را کاهش می‌دهند (صادقی و لطفی، ۱۳۹۵: ۱۰۴). رئالیسم تدافعی نیز با پذیرش خطراتی در مورد همکاری معتقد است که الگوی رقابت و همکاری می‌تواند به‌طور هم‌زمان وجود داشته باشد، چراکه طرفین ممکن است در برخی از موضوعات همکاری و تعامل داشته باشند اما در برخی از موضوعات دیگر با یکدیگر رقابت کنند (سیمبر و هدایتی، ۱۳۹۲: ۸۳-۸۲).

همچنین این نکته را باید خاطر نشان کرد که بنا به گفته بوزان، قدرت‌های بزرگ، کمتر به چندجانبه‌گرایی و تعامل با دیگران علاقمند هستند، زیرا این قدرت‌ها چیزهای بیشتری برای دست دادن دارند و با چندجانبه‌گرایی آزادی عمل آن‌ها محدود می‌شود. در مقابل این قدرت‌ها منافع کمی برای به دست آوردن دارند و با یک‌جانبه‌گرایی می‌توانند به پیشرفت خودشان ادامه دهند (سلیمان زاده و دیگران، ۱۳۹۷: ۲۷۲). بنابراین، کشورها زمانی دست به همکاری می‌زنند که این همکاری‌ها در خدمت منافع ملی باشد و قدرت ملی کشور را افزایش دهد. مثلاً کشورها برای موازنه قدرت و یا برای حمله به یک کشور باهم همکاری می‌کنند. امضای قراردادهای تسلیحاتی که یک نوع همکاری را نشان می‌دهد، در همین چارچوب قابل تحلیل است و آن‌ها به قراردادهای محدود و نه بلندمدت توجه دارند. از آنجایی که رئالیست‌ها می‌ترسند، در پی این همکاری‌ها، از جمله همکاری‌های اقتصادی و تجاری یک کشور به کشور دیگر وابسته شود، به همین دلیل آن‌ها بیشتر به فکر مراقبت از خود هستند و به اقتصاد مرکانتلیسم روی می‌آورند (عبدالله خانی، ۱۳۸۳: ۶۸-۷۰). بنابراین، دولت‌ها بنا به نوع نگاهشان نسبت به محیط منطقه‌ای و بین‌المللی و اهدافشان، رویکردها و شیوه‌های اقدامی را در پیش می‌گیرند که می‌تواند ماهیت لیبرالی و رئالیستی داشته باشد.

## روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش از نظر ماهیت توصیفی-تحلیلی است و تلاش کرده است تا از طریق روش کتابخانه‌ای (فیش‌برداری) و همچنین روش میدانی (مصاحبه)، اطلاعات و داده‌های لازم را گردآوری کرده و به تحلیل موضوع بپردازد. در این پژوهش ابتدا ادبیات موضوع مدنظر مطالعه و بررسی شدند و بر اساس آن، سؤالاتی تهیه شده است. سپس در قالب مصاحبه نیمه‌ساختاریافته، از ۱۵ تن از خبرگان و کارشناسان حوزه علوم سیاسی و روابط بین‌المللی مصاحبه به عمل آمد. در این مرحله، کارشناسان به اظهارنظر در مورد متغیرها و مقوله‌های مطرح شده در سؤالات پرداختند و هر یک از آن‌ها پارامترهای جدیدی به متغیرهای ارائه شده ارائه کردند. سپس، از روش کدگذاری برای تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده از طریق مصاحبه استفاده شده است.

در این پژوهش برای اعتبار سنجی داده‌های استخراج شده از مصاحبه، روش آزمون-آزمون یا روش بازآزمایی مورد استفاده قرار گرفته است. با کمک این آزمون می‌توان در صد توافق بین دو کدگذار را محاسبه کرد. بدین منظور ابتدا چهار مصاحبه به صورت تصادفی انتخاب شدند و بر اساس پنج متغیر «دیدگاه استراتژیک»، «اهداف و منافع»، «تهدیدات»، «ابزارها» و «روش‌های اقدام» کدگذاری شدند که در مجموع ۳۲۸ مورد می‌شوند. در کدگذاری مجدد که در بازه زمانی ۱۵ روز از کدگذاری اول انجام شد، از بین ۳۲۸ مورد، ۲۹۱ مورد توافق وجود داشت. بنابراین ضریب پایایی به این صورت خواهد بود:

$$C.R = \frac{2M}{N(1) + N(2)}$$

M: تعداد تصمیم‌های مربوط به کدگذاری

$N_1 + N_2$ : تعداد تصمیم‌های کدگذاران ۱ و ۲.

C.R بالاتر از ۰/۷ نشان از پایایی درونی مناسب دارد.

$$C.R = \frac{2 * 291}{328 + 328} = 0/88$$

## تجزیه و تحلیل داده‌ها

استراتژی‌های امنیتی، دفاعی و نظامی برای هدایت هر کشور در نظر گرفته شده است تا سیاست‌ها و ابزارهایی را برای مواجهه با چالش‌هایی که کشور با آن روبه‌رو می‌باشد، ارائه دهد. در کنار تعریف اهداف، منافع و تهدیدات باید طراحی شیوه‌هایی برای دستیابی به اهداف مدنظر هر کشور نیز مورد توجه قرار گیرد. در حالی که «شناسایی ابزارها» بر کدام ابزارها تمرکز دارد و «طراحی شیوه‌ها» به چگونگی به کارگیری ابزارها و در کل به کدام شیوه‌ها تأکید می‌کند. با توجه به مباحث تئوریک که به آن اشاره شده است و همچنین با فرض اینکه تدوین این استراتژی‌ها مبتنی بر منطق استراتژیک و کارآمد هستند، مدل این تحقیق مرکب از پنج شاخص و مقوله فراگیر شامل موارد ذیل می‌باشد:

۱. دیدگاه‌های استراتژیک رهبران در قدرت؛

۲. منافع ملی و اهداف مدنظر هر کشور؛

۳. تهدیدات نسبت به این منافع و اهداف؛
  ۴. ابزارهای مناسب برای تعقیب اهداف و
  ۵. رویکردهای (متقاعدکننده، وادارکننده و از بین برنده) و سبک‌های اقدام (مستقیم در مقابل غیرمستقیم) برای دستیابی به اهداف.
- این مدل با در نظر گرفتن ابعادی (۵ مقوله اصلی) همچون «دیدگاه استراتژیک»، «منافع و اهداف»، «تهدیدات»، «ابزارها» و «روش به کارگیری از ابزارها»، ۱۴ مؤلفه و ۵۸ شاخص، قابلیت این را دارد که بتواند اسناد راهبردی کشورها را مورد بررسی علمی قرار دهد و از قبل آن ادراکات و «جهان‌بینی» (متشکل از هدف‌گذاری و جهت‌گیری) هر یک از آن‌ها را فهم نماید. با توجه به تجزیه و تحلیل صورت گرفته ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مدل بومی اسناد راهبردی به شرح جدول صفحه پیش رو استخراج گردیده‌اند.

## نشریه علمی سیاست دفاعی

جدول ۱: ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های تحلیل اسناد راهبردی

ابعاد	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها	
۱. دیدگاه استراتژیک	۱. رقابت	۱. مکانی	
		۲. موقعیتی	
		۳. ایده‌ای	
		۴. دیگر روندهای چالشی	
	۲. همکاری	۵. ضمنی	
		۶. نامتقارن	
		۷. تمام‌عیار	
۲. اهداف و منافع	۳. منافع	۸. حیاتی	
		۹. مهم	
		۱۰. حاشیه‌ای	
	۴. اهداف	۱۱. کوتاه‌مدت	
		۱۲. میان‌مدت	
		۱۳. بلندمدت	
		۱۴. متعارف	
	۳. تهدیدات	۵. نظامی	۱۵. غیرمتعارف
			۱۶. پایین‌تر از حد متعارف
			۱۷. طبیعی ارگانیک
		۶. غیرنظامی	۱۸. طبیعی غیر ارگانیک
۱۹. انسانی خشونت‌آمیز			
۲۰. انسانی غیر خشونت‌آمیز			
۷. سایر تهدیدات			

طراحی مدل بومی برای تحلیل اسناد راهبردی (امنیتی و نظامی)

شاخص‌ها	مؤلفه‌ها	ابعاد
۲۱. ارائه	۸. دیپلماسی	۴. ابزارها
۲۲. مذاکره		
۲۳. اجرا		
۲۴. محدودیت‌های دیپلماتیک		
۲۵. دیگر اقدامات دیپلماتیک		
۲۶. ادراک	۹. اطلاعات	
۲۷. اطلاع‌رسانی		
۲۸. کنترل		
۲۹. دیگر اقدامات اطلاعاتی و امنیتی		
۳۰. اعمال زور	۱۰. نظامی	
۳۱. تهدید به زور		
۳۲. آماده‌سازی نیرو		
۳۳. تقویت توان نظامی		
۳۴. کمک	۱۱. اقتصادی	
۳۵. محدودیت در کمک‌ها		
۳۶. تجارت		
۳۷. محدودیت در تجارت		
۳۸. مالی		
۳۹. محدودیت مالی		
۴۰. دیگر اقدامات اقتصادی		
۴۱. بهداشتی و اجتماعی	۱۲. سایر ابزارها	
۴۲. علمی و فناوری		
۴۳. زیست‌محیطی		

ابعاد	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
۵. روش‌های به‌کارگیری از ابزارها	۱۳. رویکردها	۴۴. همساز شدن
		۴۵. شکل‌دهی
		۴۶. متقاعد کردن
		۴۷. توانمندسازی
		۴۸. آمادگی
		۴۹. ترغیب کردن
		۵۰. تعهدپذیری
		۵۱. اجبار
		۵۲. تسلیم کردن
		۵۳. از بین بردن
۱۴. شیوه‌های اقدام	۵۴. یک‌جانبه	۵۵. دو یا چندجانبه دروغین
		۵۶. چندجانبه
		۵۷. آشکار
		۵۸. پنهان

## نتیجه‌گیری

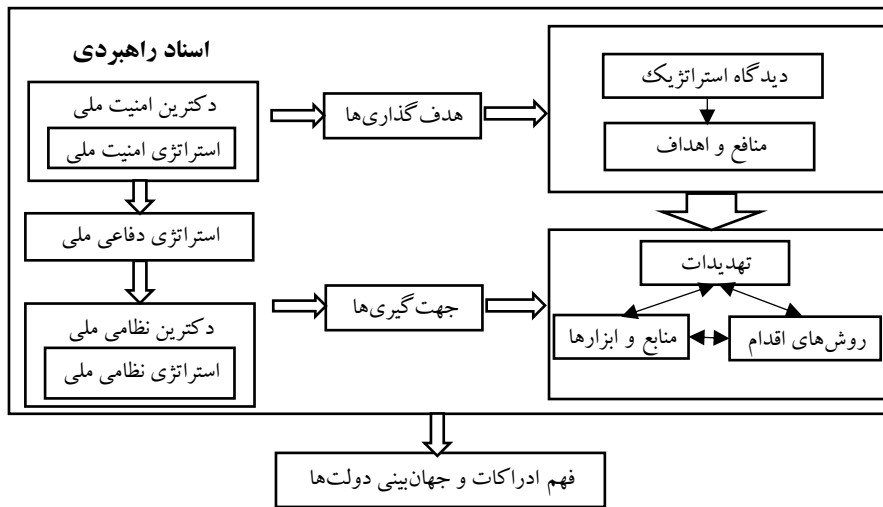
مدل این تحقیق مانند هر چارچوب مفهومی دیگری، یک نمایشی انتزاعی و ساده از یک واقعیت می‌باشد که درصدد است، با ارائه شاخص‌هایی به تحلیل و بررسی اسناد راهبردی کشورها بپردازد. همان‌طور که ذکر گردید هر کشوری در نظام بین‌الملل از یک یا چند سند راهبردی برخوردار است که این اسناد، استراتژی‌هایی را جهت تضمین موجودیت، حفظ و گسترش منافع ملی آن کشورها ارائه می‌دهد. این اسناد توضیح می‌دهند که جایگاه و نقش آن کشور در جهان از نگاه آن‌ها چگونه است؟ و با چه ابزار و رویکردی به دنبال دستیابی به آن اهداف می‌باشند؟ این اسناد که یک نوع جهان‌بینی نیز محسوب می‌شود، مجموعه‌ای از اعتقادات، نگرش‌ها و اقدامات هر یک از بازیگران را شامل می‌شوند. تدوین این اسناد با توجه به فرهنگ استراتژیک هر کشور صورت می‌گیرد. به‌طوری که هر کشور با توجه به فرهنگ استراتژیک خاص خود به تعریف منافع، درک تهدیدات نسبت به این منافع و جایگاه خود در نظام بین‌الملل می‌پردازد. از آنجایی که



■ طراحی مدل بومی برای تحلیل اسناد راهبردی (امنیتی و نظامی)

سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های کشورهای بر نظام امنیت منطقه‌ای و جهانی و به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر امنیت ملی کشورها تأثیرگذار می‌باشد باید درک درستی از مؤلفه‌ها و ساختارهای راهبردی امنیت ملی و نظامی بازیگران وجود داشته باشد.

بنابراین برای درک دقیق از اسناد راهبردی این کشورها نیازمند یک چارچوب بومی کارآمد می‌باشیم که این تحقیق مدل بومی **تحلیل اسناد راهبردی (امنیتی و نظامی)** زیر را بر اساس یافته‌های تحقیق و بر مبنای ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌ها تحلیلی ارائه داده است. این مدل در بردارنده پنج متغیر اصلی و مجموعه‌ای از مقوله‌های استخراج شده در جدول (۱) تحقیق است که می‌تواند برای ارزیابی اسناد راهبردی با روش تحلیل محتوا به کار گرفته شود. بنابراین اگر محقق بخواهد از این مدل برای یک کار تجربی تحلیل محتوا استفاده کند، ابتدا باید جامعه آماری اسناد مورد نظر خودش را تعیین کند و سپس بر اساس متغیرهای پنج‌گانه این مدل به همراه مقولات فرعی استخراج شده جدول (۱)، متون این اسناد را کدگذاری و تحلیل نماید.



شکل ۱: مدل بومی تحلیل اسناد راهبردی

## پیشنهادها

۱. پژوهشگران با استفاده از این مدل مفهومی می‌توانند اسناد راهبردی آمریکا، روسیه، چین و تروئیکای اروپایی و بازیگران منطقه‌ای به ویژه عربستان، ترکیه، قطر و رژیم صهیونیستی را با هدف درک ادراکات و جهان‌بینی آن‌ها تحلیل و تبیین نمایند تا تصمیم‌گیرندگان تدابیری را برای کیفیت تعامل خود با هریک از این بازیگران و مقابله با تهدیدات اتخاذ کنند.
۲. مدل مفهومی استخراج شده این تحقیق می‌تواند مورد استفاده پژوهشکده‌های تحقیقاتی برای تدوین اسناد راهبردی ج.ا.ایران (استراتژی امنیت ملی، استراتژی دفاع ملی و استراتژی نظامی ملی) قرار گیرد. تدوین این اسناد راهبردی می‌تواند تصویر واقعی و شفاف‌تری از نیات و جهت‌گیری‌های کلان ج.ا.ایران در اختیار تصمیم‌گیرندگان کشوری و لشکری و سیاست‌گذاران دولت‌های منطقه و بین‌الملل قرار دهد. در واقع تدوین استراتژی‌ها و تعیین شفاف خطوط قرمز که با نیروهای معتبر پشتیبانی می‌شود می‌تواند در بازدارندگی و جلوگیری از منازعه مؤثر باشد.

## فهرست منابع

- اشرفی، داریوش (۱۳۹۳)، «تفسیر جدید از صلح و امنیت بین‌المللی و تأثیر آن بر مفهوم حاکمیت ملی»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، شماره ۴۲.
- جوکار، محمداصادق و طوسی، مهدی (۱۳۸۹)، «تحلیل تئوریک فرهنگ‌های حاکم بر روابط ایران و کشورهای همکار خلیج فارس»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۵.
- روحی دهبه، مجید (۱۳۹۷)، «تحلیل ژئوپلیتیکی رقابت‌های ایران و ترکیه متأثر از تحولات خاورمیانه از سال ۲۰۱۱ میلادی»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال چهاردهم، شماره اول.
- سجادپور، کاظم و رفعتی، زینب (۱۳۹۰)، «سیاست خارجی، بهداشت و امنیت بین‌المللی: چارچوب‌های مفهومی و عملیاتی»، فصلنامه روابط خارجی، شماره سوم.
- سلیمان زاده، سعید؛ امیدی، علی و سحر براتی (۱۳۹۷)، «راهبرد سیاست خارجی ترامپ: هیبرید نوانزوآگرایی-واقع‌گرایی»، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، شماره ۲۸.
- سیمبر، رضا و هدایتی، مهدی (۱۳۹۲)، «روندهای متحول در روابط روسیه و آمریکا (مذاکره و همکاری، رقابت و تعارض)»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸۱.
- صادقی، سید شمس‌الدین و لطفی، کامرانی (۱۳۹۵)، «جایگاه راهبردی روسیه در معادلات نظامی-امنیتی روسیه»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۹۳.
- عامری گلستانی، حامد و شجاعی، بهروز (۱۳۹۶)، «مقایسه رویکرد یک‌جانبه‌گرایی و چندجانبه‌گرایی آمریکا در قبال پرونده هسته‌ای ایران»، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، شماره ۳۱.
- عبدالله خانی، علی (۱۳۸۳)، «نظریه‌های امنیت: مقدمه‌ای بر طرح ریزی دکترین امنیت ملی»، تهران: ابرار معاصر.
- قاسمی، فرهاد (۱۳۸۰)، جایگاه گفتمان امنیت در جدال‌های پارادایمی روابط بین‌الملل: واقع‌گرایی گفتمان امنیت ملی»، تهران: موسسه مطالعات سیاسی و فرهنگی ناب.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۹۱)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، چاپ هجدهم، تهران: انتشارات سمت.
- متقی، ابراهیم، بقایی، خرم و رحیمی، میثم (۱۳۸۹)، «بررسی سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه پس از ۱۱ سپتامبر بر اساس رویکرد واقع‌گرایی تهاجمی»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۴.
- هالستی، کی‌جی (۱۳۹۰)، مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل، ترجمه بهرام مستقیمی و مسعود طارم سری، چاپ هفتم، تهران: وزارت امور خارجه.

Finkel, M. (2020), IDF Strategy Documents, 2002-2018: On Processes, Chiefs of Staff, and the IDF. *A Multidisciplinary Journal on National Security*, 3.

- Glen, A. (2012). Key Challenges and Threats to National Security: The Polish Perspective. **Connections**, 11(3), 53-66
- Heffington, S., Oler, A., & Tretler, D. (Eds.). (2019). **A National Security Strategy Primer**. National Defense University Press. Washington, D.C.
- Layne, Christopher, (1997, summer), "From Preponderance to Offshore Balancing: America's Future Grand Strategy, **International security**.
- National War College (2017), a National Security Strategy Primer. National Defense University. Washington, D.C.
- Ohnishi, K. (2019). Compellence and Coercive Diplomacy: Concepts and Characteristics.
- Pynnöniemi, K. P., Raik, K., Aaltola, M., & Kallio, J. (2018). The security strategies of the US, China, Russia and the EU: Living in different worlds. **Ulkopoliittinen instituutti**
- Reese, Sh. (2013). Defining homeland security: Analysis and congressional considerations. Congressional Research Service Report for Congress. Prepared for Members and Committees of Congress. Retrieved on 8 May 2015 from: <http://fas.org/sgp/crs/homesec/R42462.pdf>.
- Romeo, S. (2016). Coercive diplomacy, theories and application: a case study on US administration and Libya.
- Stolberg, A. G. (2012). **How Nation-states craft national security strategy documents**. Strategic Studies Institute, US Army War College.
- Zagumny, M. J. (2013). Cooperation. **The Encyclopedia of Cross- Cultural Psychology**, 251-253.

